



کلاس

گزارش «وقایع اسرائیلیه» از نقش دانشگاه‌ها
در سرزمین‌های اشغالی برای افزایش بنیه نظامی
و تاب‌آوری رژیم

همان یگان است



یوذا لفتی زاده

در اسرائیل، یکی از ستون‌های پنهان تاب‌آوری اجتماعی نه ارتش، بلکه دانشگاه‌ها هستند؛ نهادهایی که هم بار آموزشی جامعه و هم بار بحران را می‌کشند. در سالی که ۶۵۰ نفر از ۴۰ هزار دانشجوی

وقتی دانشگاه به پناهگاه و اتاق عملیات تبدیل می‌شود

بعد از ۷ اکتبر، دانشگاه بن‌گوریون در جنوب اسرائیل، یک شبه از «محوطه دانشگاهی» به بخشی از پشت جبهه تبدیل شد. خوابگاه‌هایی که قرار بود میزبان دانشجویان باشند، اتاق‌های خالی‌شان را به خانواده‌هایی دادند که از شهرهای نزدیک غزه تخلیه شده بودند؛ سالن‌ها، زیرزمین‌ها به انبار و مرکز بسته‌بندی کمک برای سربازان و غیرنظامیان تبدیل شدند و سازمان‌های امدادی مثل «لو قلب» (Lev Echad) در خود پردهای دفتر

دو خط موازی

در اسرائیل، «دانشجو بودن» و «سرباز ذخیره بودن» خیلی وقت‌ها روی دو خط موازی حرکت می‌کنند. بعد از شروع جنگ ۲۰۲۳، در دانشگاه‌هایی مثل تکنیون و دانشگاه عبری، هزاران دانشجو دوباره به خدمت ذخیره فراخوانده شدند. کلاس‌ها منسوخ شده، امتحان‌ها نزدیک بود و خیلی‌ها درست در وسط ترم، از کتابخانه به سمت جنگ با مردم فلسطین رفتند. واکنش دانشگاه فقط یک پیام همدردی نبود. تکنیون، طبق گزارش رسمی خود،

دانشگاه؛ موتور محرک کمک‌رسانی

یکی از تصاویر تکراری این سال‌ها در اسرائیل، سالن‌های ورزشی و آمفی‌تئاترهایی است که صندلی‌ها را نور بسکتبال را جمع کرده‌اند و به خط تولید بسته‌های کمک تبدیل شده‌اند. در بن‌گوریون، سالن بزرگ دانشگاه به مرکز بسته‌بندی مواد غذایی و تجهیزات برای خانواده‌های تخلیه‌شده و سربازان خط مقدم تبدیل شد. دانشجو‌ها، استادها و کارکنان‌ها کنار هم روی زمین کارتن‌ها را ردیف می‌کردند؛ یک نفر محتوا را می‌چید، نفر بعدی می‌بست، دیگری برچسب می‌زد. در دانشگاه عبری، دانشجویان

از کلاس تا استودیو؛ جایی برای تولید قدرت

وقتی در اسرائیل جنگی شروع می‌شود، فقط پست‌های نظامی نیست که فعال می‌شوند؛ استادان دانشگاه هم به صف رسانه‌ها دعوت می‌شوند. استاد روابط بین‌الملل در تل‌آویو، کارشناس امنیت در حیفا، پژوهشگر مطالعات خاورمیانه در اورشلیم؛ این‌ها همان کسانی‌اند که اسمشان را در برنامه‌های تحلیلی تلویزیون، پادکست‌ها و ستون‌های روزنامه می‌بینی. دانشگاه، در این معنا، کارخانه تولید «قاب بندی» است، یعنی اینکه جنگ را

اتاق‌های مشاوره؛ جایی که زخم جنگ پانسمان می‌شود

جنگ در اسرائیل هیچ وقت تمام نمی‌شود؛ امواج درگیری‌ها تا کمی آرام می‌گیرد، دانشگاه با یک مسئله دیگر روبه‌روست: دانشجو-سرباز که از خط مقدم برگشته؛ اما ذهنش هنوز وسط صحنه‌های جنگ گیر کرده است. اینجاست که سرویس‌های روان‌شناسی دانشگاهی نقش می‌گیرند. در تکنیون، طبق گزارش خود دانشگاه، بعد از بازگشت رزروست‌ها،

۶۶ درصد تحریم

در پی افزایش ۶۶ درصدی تحریم‌های علمی علیه اسرائیل، دانشگاه‌های این رژیم در تلاشند راهبردی تازه برای مقابله با آن تدوین کنند. گزارش تازه‌ای که اخیراً منتشر شد، نشان می‌دهد موج تحریم‌های آکادمیک علیه مؤسسات و پژوهشگران اسرائیلی همچنان رو به گسترش است و نشانه‌ای از توقف آن دیده نمی‌شود. بر اساس گزارش «کارگروه مقابله با تحریم‌های علمی» وابسته به انجمن رؤسای دانشگاه‌های اسرائیل، طی ۶ ماهه منتهی به فوریه ۲۰۲۵ حدود ۵۰۰ مورد تحریم علمی ثبت شده است؛ افزایشی ۶۶ درصدی نسبت به نیم سال پس از آغاز جنگ در ۷ اکتبر ۲۰۲۳. آمریکا، بلژیک، اسپانیا و انگلستان بیشترین موارد ثبت شده را داشته‌اند و پس از آن، هلند، ایتالیا و کانادا قرار می‌گیرند. اما نولن نشون، رئیس این کارگروه، به تایمز آو اسرائیل گفت: «نتیجه اصلی این گزارش آن است که این تحریم‌ها در کوتاه‌مدت پایان نمی‌یابد و احتمالاً برای سال‌ها ادامه خواهد داشت. اسرائیل باید خود را با این شرایط وفق دهد و ابزارهای مؤثرتری برای مقابله ایجاد کند.» همچنین



بن‌گوریون و هزاران دانشجوی دیگر در سراسر کشور به نیروهای ذخیره پیوستند و ۴۰ درصد اعضای هیئت علمی دانشگاه مهندسی این دانشگاه ماه‌ها یونیفرم پوشیدند، نظام آموزش عالی با یک «سیستم استثنایی» از حمایت‌های آموزشی، مالی و روانی توانست کاری

کند که با وجود صدها روز خدمت نظامی، اکثریت دانشجویان سال تحصیلی را به پایان برسانند؛ نشانه‌ای روشن از اینکه دانشگاه‌های اسرائیل، خود به یکی از مهم‌ترین سازوکارهای تاب‌آوری جامعه در برابر جنگ تبدیل شده‌اند.

امدادی. این‌ها یعنی دانشگاه در لحظه بحران، «تعطیل» نمی‌شود، بلکه تنها جنس کارش را عوض می‌کند. برای جامعه‌ای که زیرتهدید جنگ است، همین که بدانند پردهای دانشگاهی فقط جای کلاس و امتحان نیست و می‌تواند پناهگاه، انبار، آشپزخانه جمعی و مرکز کمک‌رسانی باشد، خودش یک ستون مهم تاب‌آوری است. دانشگاه بخشی از ضربه را جذب می‌کند و اجازه نمی‌دهد همه فشار مستقیم روی خانه‌ها و محله‌ها فرود بیاید.

«اگر به جبهه بروی، زندگی تحصیلی‌ات فرومی‌پاشد؛ وقتی برگردی، دانشگاه کمک می‌کند دوباره روی ریل بفتی.» این پیام برای جوانی که هم دانشجویست، هم در لیست فراخوان جنگ، یک تکیه‌گاه روانی است. تاب‌آوری اجتماعی فقط با شعار ساخته نمی‌شود؛ با همین احساسات عینی ساخته می‌شود که «اگر امروز برای جنگ رفتم، فردا برای ادامه زندگی تنهائیستم.»

نوع داوطلبی بحران را از یک تجربه «فلج‌کننده» به یک تجربه «قابل مدیریت» تبدیل می‌کند. کسی که فقط پای تلویزیون می‌نشیند و اخبار را می‌بیند، زودتر می‌سوزد. کسی که می‌تواند کاری بکند - هرچند کوچک - احساس می‌کند هنوز کنترلی روی زندگی دارد. دانشگاه با سازمان دهی این انرژی، ترس را کم می‌کند و تاب‌آوری اجتماعی را عمل جمعی؛ این همان چیزی است که از آن به عنوان سرمایه اجتماعی یاد می‌شود و در تاب‌آوری، نقش کلیدی دارد.

می‌نویسند و حرف می‌زنند. برای جامعه‌ای که زیر فشار شدید روانی است، این فضای تحلیلی دو کار می‌کند: به کسانی که دنبال توجیه و معنا هستند، پاسخ می‌دهد و به کسانی که دنبال زبان تقدنند، ابزار می‌دهد. دانشگاه به این ترتیب هم به انسجام هویتی کمک می‌کند و هم امکان بحث و تردید را زنده نگه می‌دارد. تاب‌آوری اجتماعی، در چنین فضایی، فقط توان تحمل شوک نیست؛ توان تحمل پرسش و اختلاف هم است.

را به متخصص ارجاع می‌دهند. جامعه‌ای که فقط روی «قهرمانی» و «ایستادگی» تأکید کند؛ اما جایی برای پردازش زخم‌ها نداشته باشد، دیر یا زود در سکوت افسردگی و خشونت فرومی‌رود. دانشگاه با رسمی و عادی کردن مراجعه به مشاور، بخشی از بار روانی جنگ را برمی‌دارد؛ کمک می‌کند آدم‌ها به جای فروپاشی فردی، کم‌کم به زندگی جمعی برگردند.

همچنین می‌دید دانشجویان دیگر هم همین حس را دارند. کم‌کم فهمیدند برای کمک لازم نیست لباس نظامی بپوشند. بنسبت که دانشجوی اقتصاد محیط زیست و بیوتکنولوژی است، گفت: «مثل من، بسیاری از دانشجویان ما به طور بی‌تابانه‌ای می‌خواستند هر طور که می‌توانند کمک کنند.» او رئیس اتحادیه دانشجویان، نیتزان ناگار، اقدام به اعزام داوطلبان به مزارع کردند. مزارعی که به دلیل کمبود نیروی کار برای نگهداری از زمین‌ها و برداشت محصولات با مشکل مواجه شده بودند. این اقدام از ابتدای جنگ آغاز شد. دانشکده کشاورزی گروه‌هایی از دانشجویان، اعضای هیئت علمی، کارکنان اداری و دیگران را هر دو هفته یک‌بار برای برداشت محصولات می‌فرستاد جعفری، بادنجان و آووکادو در مزارع جنوب و مرکز اعزام می‌کرد. ناگار گفت: «داوطلبی به ما این احساس را می‌دهد که همه با هم هستیم و برای پیروزی تلاش می‌کنیم. یک دانشجوی سال اول می‌تواند کنار رئیس دانشکده محصول بچیند و همه به یک اندازه سهمیم هستند.»

و مرکز لجستیک زدند. دانشگاه تکنیون در حیفا هم زمان روی جبهه دیگری کار کرد؛ پناهگاه‌های داخل دانشگاه را بازسازی و تجهیز کرد، ورودی‌ها و سیستم اعلام خطر را تقویت و عملاً پردهای برای زندگی در وضعیت آویز و موشک آماده‌تر کرد. دانشگاه عبری در اورشلیم و چند دانشگاه دیگر هم بسته به موقعیتشان، فضای دانشجویی را با نیازهای اضطراری شهر گره زدند؛ از اسکان موقت گرفته تا همکاری با شهرداری و سازمان‌های

تقویت تحصیلی را عقب کشید، برای دانشجویان در خدمت رزرو، امتحان‌ها را جابه‌جا کرد، امکان حذف درس بدون جریمه را باز گذاشت و برای بخشی از آن‌ها معافیت یا تخفیف شهریه و اجاره خوابگاه به نظر گرفت. دانشگاه عبری اعلام کرد اجاره خوابگاه ماه اول جنگ را از رزروست‌ها نمی‌گیرد و مهلت پرداخت شهریه را عقب می‌اندازد و بسته‌های حمایتی مالی و آموزشی ویژه برایشان می‌چیند. پیام این سازوکار روشن است:

پزشکی، داوطلب کار درمانی و پرستاری شدند تا در بیمارستان‌های شریک دانشگاه، روی شیفت‌های اضافه کار کنند. خود دانشگاه با همکاری نهادهای مدنی، برای کودکانی که از شهرهای مثل سدروت به اورشلیم منتقل شده بودند، مدرسه و مهدکودک موقت راه انداخت تا والدین بتوانند کمی نفس بکشند. انجمن‌های دانشجویی لیست‌های داوطلبی درست و هزاران دانشجو را به سازمان‌های امدادی، خطوط تلفنی کمک، مراکز توزیع و گروه‌های کار با کودکان وصل کردند. از نگاه جامعه‌شناسی، این

چگونه برای جامعه توضیح بدهیم: تهدید چیست؟ هدف چیست؟ چه چیزی «دفاع از خود» محسوب و کجا جنگ به باتلاق بدل می‌شود؟ بخشی از این صداها، روایت رسمی دولت را تقویت می‌کنند؛ بر ضرورت «ایستادگی تا آخر» تأکید می‌کنند و هر عقب‌نشینی را خطرناک می‌دانند. بخشی دیگر، از دل خود دانشگاه، سیاست‌های دولت را نقد می‌کنند؛ درباره وضعیت غزه، هزینه‌های اخلاقی و بلندمدت جنگ و خطر فروپاشی دموکراسی

تیم‌های مشاوره با تکنیک آن‌ها تماس می‌گیرند، خدمات روانی موجود را معرفی کرده و برایشان برنامه‌های شخصی تنظیم می‌کنند. همچنین کارگاه‌های متعددی برای کمک به گذار از «وضعیت جنگی» به «زندگی دانشگاهی» برگزار می‌شود. در ادامه گروه‌هایی از دانشجویان و کارکنان آموزش دیده، نشانه‌های تروما و PTSD را زودتر تشخیص داده و افراد

دانیل حیموویتز، رئیس دانشگاه بن‌گوریون و رئیس کمیته رؤسای دانشگاه‌ها، در اظهار نظرهای گفت: «تحریم‌های علمی اصول بنیادین آزادی آکادمیک و آزادی پژوهش علمی را نقض می‌کنند. علم و دانشگاه باید پل میان فرهنگ‌ها و جریان‌های سیاسی باشند، نه عاملی برای عمیق‌تر شدن شکاف‌ها.» همچنین ایلان پایه تاریخ‌دان و نظریه‌پرداز سیاسی اسرائیلی گفت: «اکثریت دانشگاهیان اسرائیلی نه تنها از پیوستن به اعتراضات خودداری می‌کنند، بلکه از همکاری با ارتش، سرویس‌های امنیتی و نهادهای دولتی که روزنامه فلسطینی‌ها را سرکوب می‌کنند، دست برمی‌دارند.» به باور او: «تحریم علمی، گفت‌وگویی ضروری و سخت: با دانشگاه‌های اسرائیل ایجاد می‌کند و به آن نشان می‌دهد ۷۷ سال مشارکت در یک نظام سرکوبگر، هزینه دارد.» در صبح هفتم اکتبر، شاحاف بنسون مثل بسیاری از اسرائیلی‌ها با شوک حمله حماس بیدار شد. این شوک خیلی زود به بی‌قراری و احساس بی‌فایده‌گی تبدیل شد، چون فراخوانده نشده بود و دلش می‌خواست کاری انجام دهد. او